

بررسی سبک‌های سبک دلبستگی و شیوه‌های تربیتی در پیش‌بینی اختلال سلوک و نافرمانی مقابله‌ای با واسطه‌گری سیستم‌های رفتاری در بین نوجوانان دختر

مهران سلیمانی^۱، دنیز جوانشیر^۲

^۱عضو هیئت علمی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، ایران.

^۲کارشناسی ارشد روانشناسی، گرایش روانشناسی کودکان استثنایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه

چکیده

از پژوهش حاضر بررسی نقش‌های سبک دلبستگی و شیوه‌های تربیتی در پیش‌بینی اختلال سلوک و نافرمانی مقابله‌ای با واسطه‌گری سیستم‌های رفتاری در بین نوجوانان دختر در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ است. جامعه آماری این پژوهش شامل دختران ۱۲ تا ۱۸ ساله ساکن در شهر ارومیه است، میانگین سنی مشارکت‌کنندگان ۱۴/۸۹ (انحراف معیار = ۲/۰۸ سال) می‌باشد. تعداد ۳۸۴ نفر با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای مرحله‌ای برای مشارکت در پژوهش انتخاب شدند. مشارکت‌کنندگان به پرسشنامه‌های ارزیابی راتر، علائم مرضی کودکان هاشمی و همکاران، مقیاس سیستم مغزی-رفتاری، سبک‌های دلبستگی هازن و شیور و شیوه‌های فرزندپروری بامریند پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از روش معادلات ساختاری تحلیل شدند. نشان داد که سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های تربیتی با واسطه‌گری سیستم‌های مغزی-رفتاری، اختلال سلوک و نافرمانی مقابله‌ای را در نوجوانان دختر پیش‌بینی می‌نمایند. ضرایب بتا و نمرات تی برای تمامی مسیرها معنادار بود. توجه به سبک‌های دلبستگی و روش‌های فرزندپروری در شکل‌گیری اختلالات مهم دوران کودکی و نیز درمان آنان ضروری به نظر می‌رسد.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های دلبستگی، شیوه‌های فرزندپروری، اختلال سلوک، اختلال نافرمانی مقابله‌ای

مقدمه

دوران نوجوانی یکی از مراحل بحرانی در زندگی هر فرد است که عبور کردن موفق از این مرحله بر سلامت روان و شخصیت فرد در دوران بزرگسالی نقش تعیین کننده ای دارد. هر چه خانواده آگاهی و درک بهتری از این دوره و چالش های آن داشته باشند، بهتر می تواند بستر مناسب را برای شکل گیری شخصیتی قوی و سازنده در نوجوان خود فراهم کند. سبک های دلبستگی کودک و شیوه های تربیتی او در دوره نوجوانی چالش هایی را به همراه خواهد داشت.

نوجوانی یکی از حساس ترین مراحل زندگی در رشد سلامت جسمی، روانی و اجتماعی می باشد. اگرچه این دوران انتقال از کودکی به بزرگسالی برای بسیاری از نوجوانان در زمان های قبل به خوبی سپری می گردید، ولی با توجه به تغییرات تکنولوژی، فرهنگی و اجتماعی سریع و پرشتاب جوامع امروز، این دوران برای تعدادی از نوجوانان همراه با بروز مشکلات فراوان جسمی، روانی و اجتماعی بود (بورمستر، ۱۹۹۸). گری اعتقاد دارد که ساختار های مختلف مغز، سه سیستم انگیزش اساسی را راه اندازی می کند که در تعامل با تقویت رفتاری است. نخستین سیستم، سیستم فعال ساز رفتاری (BAS) است (گری^۱، ۱۹۹۴، ۱۹۹۱، ۱۹۹۰). دومین سیستم، سیستم بازداری رفتاری (BIS)، سومین سیستم سیستم جنگ/گریز/بخت (FFFS) است. با توجه به نقش خانواده به عنوان اولین جایگاه اجتماعی و مهمترین عامل تعیین کننده ی رفتار کودک و شیوع روزافزون مشکلات رفتاری در کودکان (حدود ۱۵ تا ۱۲ درصد، کاستلو و همکاران، ۱۹۹۳) همچنین به دلیل اینکه به کار گیری روش های تربیتی نامناسب علاوه بر مشکلات رفتاری بر سایر حوزه ها از جمله ارتباط با دیگران و تحصیل بویژه در مقاطع پایین تاثیر منفی دارد (فلانگان و اسکویل، ۲۰۰۶). در بررسی عوامل شخصیتی موثر در سبک های دلبستگی و شیوه های تربیتی، بررسی اختلال سلوک و اختلال نافرمانی مقابله ای که می تواند در سیستم مغزی رفتاری موثر باشد، حائز اهمیت است. کودکان یا نوجوانان مبتلا به اختلال سلوک اغلب شروع کننده ی خشونت یا پرخاش هستند و مقابل دیگران واکنش غیر طبیعی و همراه با خشونت نشان می دهند. آن ها معمولاً به زورگویی یا تهدید همسالان می پردازند، با مردم و حیوانات بی رحمی فیزیکی نشان می دهند و با ترساندن دیگران را مجبور میکنند که با خواسته های آنان همراهی کنند. این افراد به طور معمول به دارایی های دیگران احترام نمی گذارند و به تخریب اموال مردم و دزدی می پردازند. دروغ گویی آن ها عبارت است از شکستن وعده ها و قول ها برای منافع مادی یا صرفاً کلاهبرداری از دیگران. کودکان مبتلا به اختلال سلوک معمولاً سابقه ای مملو از قانون شکنی دارند (گنجی، ۱۳۹۳ به نقل از خدایاری فرد، ۱۳۹۵). از آن جا که نوجوانان گروه مهمی از افراد جامعه را تشکیل می دهند و آینده سازان جامعه هستند از نتایج تحقیق حاضر به منظور ارتقاء شرایط نوجوانان دختر در مراکز آموزشی و نیز هدفمند کردن آموزش های لازم جهت پرورش نوجوانان دختر شایسته در دبیرستان ها و کلینیک ها و تمامی مراکز مربوطه و نیز مراکز آموزشی، مدارس، دانشگاه ها و مراکز مشاوره خواهد شد. هدف از انتخاب این موضوع، این است که نقش سبک های دلبستگی و شیوه های تربیتی در پیش بینی اختلال سلوک و نافرمانی مقابله ای با واسطه گری سیستم های رفتاری آشکار شود و در نتیجه نوجوانان مبتلا به اختلال سلوک و نافرمانی مقابله ای اقدامات لازم را انجام دهند.

مبانی نظری

سیستم بازداری رفتاری (BIS)

سیستم بازداری رفتاری زیربنای بعد هیجانی اضطراب است (گری، ۱۹۸۷؛ به نقل از گری و مک ناتان، ۲۰۰۰). این سیستم توسط محرک های شرطی که با تنبیه هم خوانی دارند، محرک های شرطی که با حذف یا پایان یافتن پاداش هم خوانی دارند، محرک های جدید و مأور هستند محرک هایی که به صورت ذاتی برای یک نوع ترس آور هستند، برانگیخته می شوند. رفتارهایی که با این محرک ها برانگیخته می شوند عبارتند از: بازداری رفتاری (توقف رفتار جاری) افزایش سطح برپایی، به طوری که رفتارهای بعدی

¹ - Gray, J.A.

(که می توانند ادامه عمل متوقف شده نیز باشند) با قدرت و سرعت بیشتری انجام شوند و افزایش توجه، به این صورت که اطلاعات بیشتری بویژه در مورد اجزای جدید محیط دریافت شود.

تعریف دلبستگی

واژه ی دلبستگی برای توصیف تمایل کودک به نزدیک افراد خاص ماندن و احساس امنیت بیشتر در حضور این افراد به کار می رود (اتکینسون و همکاران، ۱۳۹۳). دلبستگی پیوند عاطفی عمیقی است که با افراد خاصی در زندگی خود داریم که باعث می شود وقتی با آن ها تعامل می کنیم، لذت ببریم و در مواقع استرس، از نزدیکی آن ها احساس آرامش کنیم (لورابرک، ۱۳۹۷).

سبک های دلبستگی در نوجوانی

تحقیقات انجام شده در زمینه ی دلبستگی، دوره ی نوجوانی تقریباً نادیده گرفته اند. دوره ی نوجوانی فرصت مغتنمی برای مطالعه ی اهمیت دلبستگی ایمن در دوره ای است که تحولات مهم اجتماعی و شخصی روی می دهد. در متون روانشناسی عموماً نوجوانی به عنوان دوره شکل گیری هویت، دوره ای که تمایلات و غرایز کودکی ادغام شده و به شکل یک احساس درونی پایدار در شخصیت ماندگار می شوند، توصیف شده است. نوجوانی پل رشدی بین کودکی و بزرگسالی است. همچنین زمانی است که کودک از وابستگی به سوی استقلال و از قید و بند اولیه ای که در خانواده دارد، به سوی تعهد با دوستان نزدیک می رود. واترز و همکارانش (۲۰۰۰) معتقد هستند که با گذشت زمان به دلیل مداخله عوامل محیطی اجتماعی، تداوم بین دلبستگی دوران کودکی و نوجوانی تعدیل می شود. به هر حال باید توجه داشت نوجوانی که طبقه دلبستگی دوره کودکی خود را حفظ کرده است، در حال زندگی با والدینی است که روابطشان با نوجوانان تا مدت ها ابزار شیوه مشابهی استفاده کرده اند. دلبستگی بین نوجوانان و والدینش زمینه ی بین فردی مهمی است که در آن رشد خود هویدا شده و تعیین کننده اصلی سازگاری نوجوان است. نظریه دلبستگی یک ساختار نظری جهت مداخلات منظم سازمان یافته برای نوجوانان آشفته و خانواده هایشان فراهم می کند (بهرامی و همکاران، ۱۳۸۸ به نقل از محمودی و همکاران، ۱۳۹۵).

بالبی (۱۹۸۶) چندین سبک دلبستگی در نوجوانان را به تفصیل بیان کرده است: مانند دلبستگی مضطرب که گفته شده مبنای آن بر الگوی فعال درونی نا ایمن است. پس با سازگاری روانی مغایر است. بالبی همچنین گزارش داده است که اضطراب، غم، افسردگی و عصبانیت ممکن است به وسیله ی رابطه های دلبستگی تهدید شده یا غیر واقعی یا رابطه های دلبستگی غیر قابل پیش بینی به وجود آمده باشند. همچنین شماری از مطالعات، پیوند های بین ارزیابی رابطه های دلبستگی در نوجوانان و شاخص های سلامت روانی و سازگاری را بررسی نمودند و مشخص شده است که دلبستگی ایمن، اثر مثبت بر روی سلامت نوجوانان دارد (گکاس، گرینبرک، سیگال و لینچ، ۱۹۸۳؛ به نقل از والکر و گرین، ۱۹۸۶؛ به نقل از محمودی و همکاران، ۱۳۹۵).

شیوه های تربیت در نوجوانان دختر

نوجوانی دوره ای بین کودکی و بزرگسالی است، دوره ای از زندگی است که نخستین تجارب در حساس ترین دوران رشد انسان رخ می دهد. آینده نگری، عشق، رابطه جنسی، تحصیل، شغل آینده و تثبیت هویت همه و همه در این دوران شکل می گیرند. نوجوانی مرحله انتقال از دوران کودکی به بزرگسالی است. نوجوانان از یک سو در حال کنار گذاشتن وابستگی های دوران کودکی است و از سوی دیگر توانایی لازم برای حل بسیاری از مشکلات زندگی را ندارد و همین تزلزل فکری و روانی و حالت پریشانی و ابهام را در او به وجود می آورد و آرامش روحی او را به هم می زند (تاج الدینی، ۱۳۸۸). والدین در این دوران شیوه های تربیتی مختلفی را در رابطه با فرزندان خود اتخاذ می کنند. بعضی ممکن است در انجام امور مختلف به فرزندان خود آزادی دهند و برخی دیگر ممکن است بر عکس شیوه ی مستبدانه در ارتباط با فرزند خود را انتخاب کنند و عده ای دیگر از والدین ممکن است شیوه ی اقتداری را برگزینند. آزادی های موجود یا سخت گیری های افراطی در خانواده همه از عوامل انحراف دختران نوجوان اند و موجب محدودیت رشد او میشوند (ابراهیمی، ۱۳۸۶؛ به نقل از تاجالدینی، ۱۳۸۸). دختران نوجوان نیازمند تعریف مجدد از نقش

خود هستند و در این مرحله خود را بازنشاسی مینمایند. همچنین روابط در خانواده و شیوه های تربیتی والدین تاثیر زیادی در یافتن هویت موفق یا آشفته دختران دارد (سادایتان، ۱۳۸۴؛ به نقل از تاجالدینی، ۱۳۸۸).

اختلال سلوک

الگو های پرخاشگرانه ی رفتار جزو شایع ترین دلایل ارجاع کودکان و نوجوانان برای مداخله ی روانشناسی هستند. هرچند بروز رفتار های تکانشی در کودکان از لحاظ رشدی هنجار محسوب می شوند اما بسیاری از کودکانی که همچنان الگو های مفرط پرخاشگری را در دوره ی اواسط کودکی نشان می دهند عموماً مستلزم مداخله هستند. کودکانی را که الگو های پایدار رفتار پرخاشگرانه ای را نشان می دهند که از اوایل کودکی شروع شده و حقوق اساسی همسالان و اعضای خانواده را نقض می کند می توان جزء دسته ای محسوب کرد که به مرور زمان دچار الگو های عمیق رفتار های اختلال سلوک خواهند شد.

شروع اختلال سلوک در دوره ی کودکی و نوجوانی

در زمان تشخیص اختلال سلوک، DSM-5 متخصص بالینی را مجبور می سازد تا نشان دهند که آیا نشانه های کودک در ابتدا در کودکی ظاهر شدند یا خیر (حد اقل یک نشانه قبل از ۱۰ سالگی) یا اینکه در دوره ی نوجوانی ظاهر شده باشند (انجمن روان پزشکی آمریکا، ۲۰۱۳). تمایز بین شروع در کودکی یا نوجوانی بر اساس تحقیق طولی ۴۰ ساله روی ۱۰۰۰ کودک نیوزلند ایجاد شد که این تحقیق "مطالعه ی رشدی و سلامتی میان رشته ای دندوین" نام دارد (موفیت، ۲۰۰۳؛ کاسپی، راتر و سیلوا، ۲۰۰۱؛ پولاتون، موتیف و سیلوا، ۲۰۱۵). کشور جزیره ای نیوزلند یک مکان عالی برای این تحقیق طولی بعد از چند دهه بوده است و تقریباً ۹۶٪ کودکان در ابتدا برای تحقیق برگزیده شده اند و این کودکان در تحقیقات پیگیری هم همان جا زندگی میکردند. نتایج تحقیق نشان داد که دو مسیر رشدی برای مشکلات سلوک وجود دارند: ۱- مسیر شروع از کودکی و ۲- مسیر شروع از نوجوانی.

اختلال سلوک با شروع در دوره ی نوجوانی

مسیر نهایی این اختلال در دوره ی نوجوانی نشان داده می شود. با این تعریف این کودک و نوجوانان مشکلات معناداری را در سلوک قبل از بلوغ نشان می دهند، سپس آن ها به تخریب اموال و فریبکاری و دزدی و نقض قانون روی می آورند. این نوجوانان طغیانگر هستند و از محدودیت هایی که والدین و مقامات قدرت بر آن ها تحمیل می کنند رنجیده خاطر شده و نیاز شدیدی برای نشان دادن استقلال خود دارند. رفتار ضد اجتماعی آن ها نشان دهنده تلاش ناسازگارانه برای نشان دادن استقلال و خودمختاری است (دندریوکس و فریک، ۲۰۰۹؛ فریک، ۲۰۱۲).

ویژگی های تشخیصی اختلالات سلوک

اختلال سلوک یک شبه ظاهر نمی شود بلکه بسیاری از علائم آن در طول زمان شکل گرفته و به الگوی مستمر نقض حقوق دیگران می انجامد. سن متوط شروع اختلال سلوک در پسر ها پایین تر از دختران است. پسر ها اکثراً در فاصله سنی ۱۰ تا ۱۲ سالگی واجد ملاک های تشخیصی می شوند در حالی که دختر ها قبل از این که مشمول این ملاک ها شوند به سن ۱۴ تا ۱۶ سالگی رسیده اند. بر اساس DSM-5، دست کم سه مورد از پانزده مورد زیر باید در دوازده ماه گذشته و حداقل یکی از آن ها در شش ماه گذشته ی رفتار های یک کودک مشاهده شده باشد (خدایاری فرد، ۱۳۹۵).

۱. پرخاشگری و حمله به مردم یا حیوانات.

الف) زورگویی، قلدری و تهدید برای تسلیم ساختن یا ترساندن دیگران دارد؛

ب) اغلب جنگ و جدال یا دعوا راه می اندازد؛

ج) استفاده از وسایل یا اسلحه ای که به آسیب بدنی جدی منجر شود؛

د) در عمل از لحاظ جسمانی نسبت به دیگران بی رحمی روا میدارد؛

ه) در عمل از لحاظ جسمانی نسبت به حیوانات، بی رحمی، خشونت و ستم میکند؛

و) دست به سرقت توام با درگیری بادیگران میزند؛

ز) کسی را به زور به اجرای عمل جنسی وادار میکند.

۲. انهدام یا نابودی اموال و متعلقات دیگران.

الف) به عمد جایی را آتش میزند یا موجب خسارت میشود؛

ب) به عمد اموال دیگران را خراب میکند یا از بین میبرد.

۳. فریب دیگران یا سرقت آنها.

الف) بدون اجازه و به زور وارد خانه، ساختمان یا اتومبیل کسی میشود؛

ب) اغلب برای به دست آوردن موافقت کسی یا گرفتن چیزی از او، دروغ میگوید یا از انجام تعهدات خود امتناع میورزد؛

ج) اغلب از مدرسه گریخته و در کلاس حاضر نشده است (این کار را قبل از سیزده سالگی شروع کرده است) (زینلیان و زرنندی، ۲۰۱۶).

این اختلال موجب بروز اختلال در کارکرد های اجتماعی، تحصیلی و شغلی می شود و در مورد افراد بالای ۱۸ سال این ملاک ها شامل اختلال شخصیت ضد اجتماعی نمی شود (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۲۰۱۳). اغلب کودکان و نوجوانان با مشکلات سلوک اختلالات شناختی و رفتاری یا هیجانی دیگری را نیز نشان می دهند. در حقیقت، رایج است که بین کودکان با اختلال سلوک اختلالی بیش از اختلال سلوک را تجربه می کند (توماس، ۲۰۱۵).

پیشینه ی داخلی

میکائیلی، نریمانی، درودی (۱۳۹۹) در تحقیقی با عنوان (نقش سیستم های مغزی رفتاری و سرشت و منش در پیش‌بینی سایکوپاتی) که در دانش آموزان دارای نشانه های اختلال سلوک در شهر اردبیل با استفاده از پرسشنامه های اختلال سلوک شهریوری و همکاران، سایکوپاتی لینام و همکاران، سیستم های مغزی رفتاری کارور و وایت و سرشت و منش کلونیجر و شوار کیک استفاده شد. نتایج نشان داد که نوجویی از سرشت و سائق از ابعاد سیستم فعال سازی رفتاری می توانند سایکوپاتی را در دانش آموزان دارای اختلال سلوک پیش‌بینی کنند.

کریمی (1399) در تحقیقی با عنوان "مقایسه ی سبک‌های دلبستگی و سبک‌های هویت در نوجوانان با اختلال سلوک و عادی" در نمونه ای از نوجوانان مقطع دبیرستان شهر شاهرود با استفاده از پرسشنامه سبک‌های دلبستگی هازن و شیور (۱۹۸۷) و پرسشنامه سبک‌های هویت (ISI-G6) (برزونسکی، ۱۹۹۲) استفاده شد. یافته های محقق نشان داد که بین سبک‌های دلبستگی و سبک‌های هویتی در نوجوانان با اختلال سلوک و عادی تفاوت وجود دارد.

گرمسیری، شکرزاده (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان (اثرات شیوه های فرزند پروری بر نشانگان اختلال سلوک) که در نمونه ای از دانش آموزان دوره ی متوسطه منطقه پاکدشت با استفاده از پرسشنامه علائم مرضی CSI-4 گادو و اسپرافکین (۱۹۹۴) و چک لیست DSM-5 (۲۰۱۳) روی دانش آموزان و تشخیص اختلال سلوک آنان، به عنوان نمونه انتخاب شدند، سپس پرسشنامه شیوه های فرزند پروری بامریند (۱۹۹۱) روی والدین دانش آموزان اجرا شد. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده ها نشان می دهد که رابطه ای مثبت و معناداری میان ابعاد سبک‌های فرزند پروری با نشانگان اختلال سلوک وجود دارد.

پیشینه ی خارجی

ایوب اوغلو و ایوب اوغلو^۳ (۲۰۲۰) در پژوهشی که به بررسی تنظیم هیجانی و سبک‌های دلبستگی در نوجوانان دارای نقص توجه و بیش فعالی در ترکیه می پرداخت به این نتیجه رسیدند که نوجوانانی که از تنظیم هیجانی نامناسب تری برخوردار بوده و سبک‌های دلبستگی اجتنابی یا دوسوگرا دارند به میزان بیشتری ملاک های اختلال بیش فعالی و نقص توجه را نشان می دهند.

² Zeinalian, Leila & Zarandi, Mohammad. (2016)

³ - Eyuboglu, M., & Eyuboglu, D.

همچنین در بررسی های تیم نرولوژی این پژوهش مشخص شد که افراد دارای سبک های دلبستگی نا ایمن به لحاظ نرولوژی تفاوت معناداری در ساختار قسمت های هیجانی مغز آنان وجود دارد.

سیوکا، روسی، کولازونی، جورا، والاج، استراتو، لورنزو و همکاران^۴ (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان "اثر سبک های دلبستگی و مکانیسم های روانشناختی بر دیسترس روانشناختی در نوجوانان فاقد اختلالات کلینیکی- یک مطالعه تحلیل مسیر" که بر روی ۳۰۰ نفر از نوجوانان کانزاس آمریکا انجام شد به این نتیجه رسیدند که سبک های دلبستگی نا ایمن و مکانیسم های دفاعی رشد نیافته با دیسترس روانشناختی در ارتباط می باشند. در این مطالعه تمامی مسیرهای میان سبک های دلبستگی و مکانیسم های دفاعی نا ایمن به صورت معناداری با دیسترس روانشناختی در ارتباط بودند.

شرکنسول، گوریاشین، شیف، هارل زیرا^۵ (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان "سبک دلبستگی مادران و شرایط پراسترسی که فرزندان را درگیر می نماید با واسطه گری سیستم های مغزی رفتاری" که بر روی ۲۵۰ مادر و فرزند انجام شد به این نتیجه رسیدند که فرزندان مادرانی که دارای سبک دلبستگی ناایمن می باشند به میزان بیشتری با شرایط استرس آور درگیر می باشند، همچنین سیستم های مغزی- رفتاری در این پژوهش نقش واسطه گری را به صورت معناداری ایفا می نمودند و زمانی که در تحلیل مسیر به عنوان واسطه وارد می شدند به صورت معناداری کودکان مادران دارای سبک های دلبستگی نا ایمن تر سیستم فعال ساز رفتاری بالاتر و سیستم سرکوب گر رفتاری غیر فعال تری را نشان می دادند.

روش تحقیق

با توجه به اینکه این تحقیق به نقش سبک های دلبستگی و شیوه های تربیتی در پیش بینی اختلال سلوک و نافرمانی مقابله ای با واسطه گری سیستم های رفتاری در بین نوجوانان دختر پرداخته است، این پژوهش از نوع تحلیل مسیر و معادلات ساختاری می- باشد. تحلیل مسیر یکی از روش های تحقیق (غیرآزمایشی) است که رابطه میان متغیرها را براساس هدف تحقیق بررسی می کند. اصل تحلیل مسیر بر پایه بررسی همبستگی میان متغیرها می باشد و برای بررسی نوع و میزان رابطه متغیرها استفاده می شود.

روش تجزیه و تحلیل داده های تحقیق

ابتدا پرسشنامه مربوط به هریک از متغیرها به شیوه در دسترس با هماهنگی مدیران مدارس مربوطه و رعایت ضوابط بهداشتی در اختیار نوجوانان و خانواده ان ها قرار گرفت و بعد از پر کردن پرسشنامه ها، پرسشنامه ها نمره گذاری و وارد نرم افزار آماری قرار گرفتند. تجزیه و تحلیل داده ها در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم افزار SPSS 26 و LISREL 8 صورت گرفت. در سطح آمار توصیفی از جدول فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد متغیرها استفاده شد. در سطح آمار استنباطی از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن متغیرها و با توجه به نرمال بودن متغیرها، از تحلیل مسیر و معادلات ساختاری استفاده شد.

اهداف تحقیق

هدف کلی:

تعیین نقش سبک های دلبستگی و شیوه های تربیتی در پیش بینی اختلال سلوک و نافرمانی مقابله ای با واسطه گری سیستم های رفتاری در بین نوجوانان دختر

اهداف جزئی:

- ۱- تعیین نقش سبک های دلبستگی و شیوه های تربیتی در پیش بینی پرخاشگری و بیش فعالی و نافرمانی مقابله ای با واسطه گری سیستم های رفتاری در بین نوجوانان دختر

4- Ciocca, G., Rossi, R., Collazzoni, A., Gorea, F., Vallaj, B., Stratta, P., ... & Di Lorenzo, G.

5- Sher-Censor, E., Gur-Yaish, N., Shiff, H., & Harel-Zeira, N.

- ۲- تعیین نقش سبک‌های دلبستگی و شیوه های تربیتی در پیش‌بینی اضطراب و افسردگی و نافرمانی مقابله‌ای با واسطه‌گری سیستم های رفتاری در بین نوجوانان دختر
- ۳- تعیین نقش سبک‌های دلبستگی و شیوه های تربیتی در پیش‌بینی ناسازگاری اجتماعی و نافرمانی مقابله‌ای با واسطه‌گری سیستم های رفتاری در بین نوجوانان دختر
- ۴- تعیین نقش سبک‌های دلبستگی و شیوه های تربیتی در پیش‌بینی رفتار های ضد اجتماعی و نافرمانی مقابله‌ای با واسطه‌گری سیستم های رفتاری در بین نوجوانان دختر
- ۵- تعیین نقش سبک‌های دلبستگی و شیوه ی تربیتی در پیش‌بینی اختلال کمبود توجه و نافرمانی مقابله‌ای با واسطه‌گری سیستم های رفتاری در بین نوجوانان دختر

فرضیه های تحقیق

- ۱- بین سبک‌های دلبستگی و شیوه های تربیتی در پیش‌بینی پرخاشگری و بیش فعالی و نافرمانی مقابله‌ای با واسطه‌گری سیستم های رفتاری در بین نوجوانان دختر رابطه وجود دارد.
- ۲- بین سبک‌های دلبستگی و شیوه های تربیتی در پیش‌بینی اضطراب و افسردگی و نافرمانی مقابله‌ای با واسطه‌گری سیستم های رفتاری در بین نوجوانان دختر رابطه وجود دارد.
- ۳- بین سبک‌های دلبستگی و شیوه های تربیتی در پیش‌بینی ناسازگاری اجتماعی و نافرمانی مقابله‌ای با واسطه‌گری سیستم های رفتاری در بین نوجوانان دختر رابطه وجود دارد.
- ۴- بین سبک‌های دلبستگی و شیوه های تربیتی در پیش‌بینی رفتار های ضد اجتماعی و نافرمانی مقابله‌ای با واسطه‌گری سیستم های رفتاری در بین نوجوانان دختر رابطه وجود دارد.
- ۵- بین سبک‌های دلبستگی و شیوه های تربیتی در پیش‌بینی اختلال کمبود توجه و نافرمانی مقابله‌ای با واسطه‌گری سیستم های رفتاری در بین نوجوانان دختر رابطه وجود دارد.

تجزیه و تحلیل داده های پژوهش

آزمون فرضیه:

در این قسمت به بررسی فرضیه های مربوط به متغیر های پژوهش می پردازیم. برای بررسی فرضیه ها از آزمون تحلیل مسیر استفاده شد. پیش از استفاده از این آزمون پیش فرض های استفاده از آزمون باید بررسی شود. برای استفاده از تحلیل مسیر باید متغیرهای ملاک و پیش بین در مقیاس فاصله ای نمره گذاری شده باشند. به منظور بررسی خطی بودن رابطه متغیرها از نمودار اسکتر استفاده شد. نتایج نشان داد که رابطه بین متغیرهای مورد بررسی خطی است. وجود داده های پرت با استفاده از نمودار باکس پلات^۶ مورد بررسی قرار گرفت. آزمون کلوگروف - اسمیرنوف نشان داد که داده ها از پخش نرمال پیروی می نمایند و رابطه بین متغیرهای مورد استفاده خطی است. به منظور بررسی استقلال خطاها از آماره دوربین واتسون استفاده شد. نتایج نشان داد مفروضه استقلال برقرار است (مقادیر حاصله بین ۱/۶۷ تا ۲ به دست آمد). مفروضه هم خطی چندگانه^۷ از طرق آماره تلرانس و همچنین تورم واریانس (VIF) بررسی شد. نتایج نشان می دهد که کمینه تلرانس برابر ۰/۵ و بیشینه مقدار تورم واریانس برابر ۲ است که نشان می دهد هم خطی چندگانه بین متغیرهای مستقل وجود ندارد. با توجه به برقرار بودن مفروضه ها تحلیل مسیر استفاده شد. نتایج در ادامه ارائه شده است.

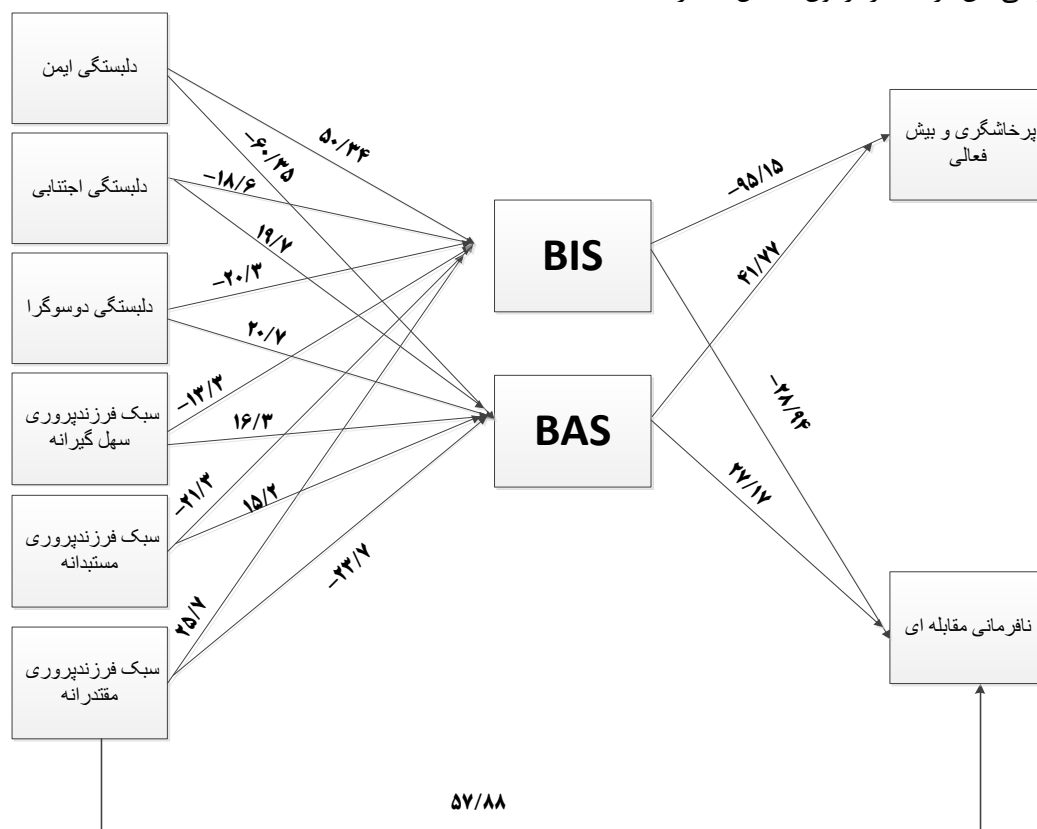
^۶ - Boxplot

^۷ - Multi Collinearity

بررسی فرضیه اول

"سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های تربیتی با واسطه‌گری سیستم‌های مغزی-رفتاری، پرخاشگری و بیش‌فعالی و نافرمانی مقابله‌ای را در نوجوانان دختر پیش‌بینی می‌نمایند"

به منظور بررسی این فرضیه از آزمون تحلیل مسیر استفاده شده است.



شکل شماره ۱: مدل پیش‌بینی پرخاشگری و بیش‌فعالی و نافرمانی مقابله‌ای از طریق سبک‌های دلبستگی و شیوه

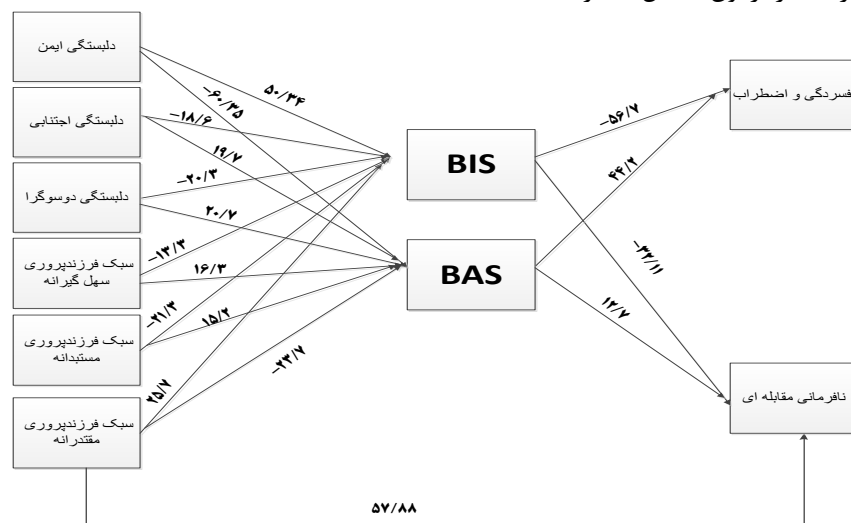
های تربیتی - میانجی‌گری سیستم‌های مغزی-رفتاری با ضرایب تی استاندارد

در مدل مذکور، ضرایب تی استاندارد هر کدام از مسیرهای ترسیم شده ارائه شده است. بنابه پیشنهاد تامپسون (میرز، گامست و گارنیو، ۲۰۰۶) زیر مجموعه‌ای از شاخص‌های برازش کلی شامل χ^2 دو، شاخص برازش نرم شده (NIF)، شاخص برازش مقایسه‌ای (CIF) و ریشه دوم میانگین مجذورات (RMSEA) مهم‌ترین شاخص‌های برازش ذکر شده می‌باشند. لذا برای پژوهش حاضر شاخص‌های ذکر شده محاسبه شد. نتایج آزمون χ^2 دو نشان می‌دهد که مقدار این آماره برابر $56/3$ است، مقدار سطح معناداری آن $0/22$ به دست آمد که بیانگر برازش مناسب مدل با داده‌ها است. مقادیر NIF و CIF در تحقیق حاضر به ترتیب برابر $0/97$ و $0/975$ است که با توجه به این که هر دو بیش از $0/95$ هستند نشان از مناسب بودن شاخص‌های مورد نظر دارد و مقادیر به دست آمده مدل را تایید می‌نمایند. ریشه دوم میانگین مجذورات خطای تقریب (RMASE) برای مدل $0/51$ بدست آمد که بیانگر برازش خوب مدل با داده‌ها است. علاوه بر آن نتایج معناداری ضریب مسیر نشان داد که همه ضرایب معنادار می‌باشند. بزرگترین ضریب مسیر مربوط به رابطه سیستم بازداری رفتاری و پرخاشگری و بیش‌فعالی است ($\beta = 4/07$) و کوچکترین ضریب مسیر مربوط به رابطه سبک فرزندپروری مستبدانه و سیستم فعال ساز رفتاری است ($\beta = 0/5$) و نشان می‌دهد که هر چه سبک فرزندپروری مستبدانه بالاتر باشد میزان نمره سیستم فعال ساز رفتاری بیشتر می‌شود.

بررسی فرضیه دوم

"سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های تربیتی با واسطه‌گری سیستم‌های مغزی-رفتاری، افسردگی و اضطراب و نافرمانی مقابله‌ای را در نوجوانان دختر پیش‌بینی می‌نمایند"

به منظور بررسی این فرضیه از آزمون تحلیل مسیر استفاده شده است.



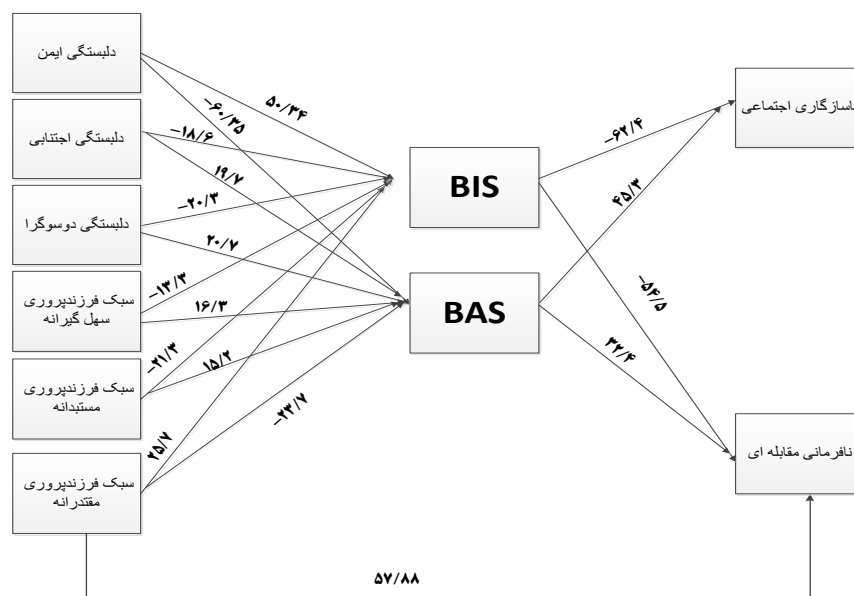
شکل شماره ۲: مدل پیش‌بینی افسردگی و اضطراب و نافرمانی مقابله‌ای از طریق سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های تربیتی - میانجی‌گری سیستم‌های مغزی-رفتاری با ضرایب تی استاندارد

در مدل مذکور، ضرایب تی استاندارد هر کدام از مسیرهای ترسیم شده ارائه شده است. نتایج آزمون خی دو نشان می‌دهد که مقدار این آماره برابر ۴۵/۱ است، مقدار سطح معناداری آن ۰/۱۴ به دست آمد که بیانگر برازش مناسب مدل با داده‌ها است. مقادیر NIF و CIF در تحقیق حاضر به ترتیب برابر ۰/۹۶ و ۰/۹۵ است که با توجه به این که هر دو بیش از ۰/۹ هستند نشان از مناسب بودن شاخص‌های مورد نظر دارد و مقادیر به دست آمده مدل را تایید می‌نمایند. ریشه دوم میانگین مجذورات خطای تقریب (RMASE) برای مدل ۰/۰۵۳ به دست آمد که بیانگر برازش خوب مدل با داده‌ها است. علاوه بر آن نتایج معناداری ضریب مسیر نشان داد که همه ضرایب معنادار می‌باشند. بزرگترین ضریب مسیر مربوط به رابطه سیستم فعالساز رفتاری و سبک دلبستگی ایمن است ($\beta = ۳/۱۲$) و منفی بودن ضریب مسیر نشان از وجود ارتباط منفی میان این دو سازه است.

بررسی فرضیه سوم

"سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های تربیتی با واسطه‌گری سیستم‌های مغزی-رفتاری، ناسازگاری اجتماعی و نافرمانی مقابله‌ای را در نوجوانان دختر پیش‌بینی می‌نمایند"

به منظور بررسی این فرضیه از آزمون تحلیل مسیر استفاده شده است.



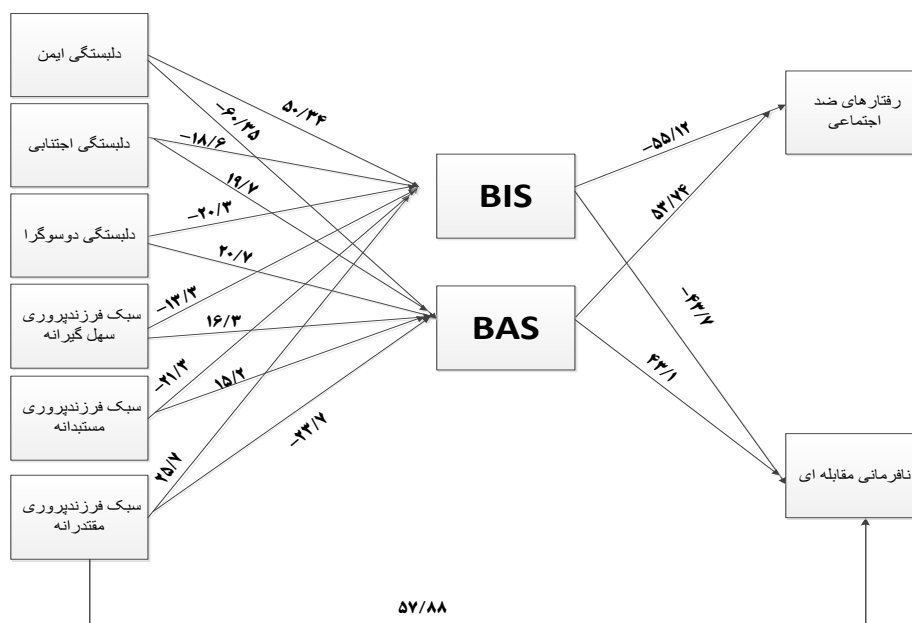
شکل شماره ۳: مدل پیش‌بینی ناسازگاری اجتماعی و نافرمانی مقابله‌ای از طریق سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های تربیتی - میانجی‌گری سیستم‌های مغزی-رفتاری با ضرایب تی استاندارد

در مدل مذکور، ضرایب تی استاندارد هر کدام از مسیرهای ترسیم شده ارائه شده است. نتایج آزمون‌های دو نشان می‌دهد که مقدار این آماره برابر $48/4$ است، مقدار سطح معناداری آن $0/164$ به دست آمد که بیانگر برازش مناسب مدل با داده‌ها است. مقادیر NIF و CIF در تحقیق حاضر هر دو $0/95$ است که با توجه به این که هر دو بیش از $0/9$ هستند نشان از مناسب بودن شاخص‌های مورد نظر دارد و مقادیر به دست آمده مدل را تایید می‌نمایند. ریشه دوم میانگین مجزورات خطای تقریب (RMASE) برای مدل $0/43$ بدست آمد که بیانگر برازش خوب مدل با داده‌ها است. علاوه بر آن نتایج معناداری ضریب مسیر نشان داد که همه ضرایب معنادار می‌باشند.

بررسی فرضیه چهارم

"سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های تربیتی با واسطه‌گری سیستم‌های مغزی-رفتاری، رفتار ضداجتماعی و نافرمانی مقابله‌ای را در نوجوانان دختر پیش‌بینی می‌نمایند"

به منظور بررسی این فرضیه از آزمون تحلیل مسیر استفاده شده است.



شکل شماره ۴: مدل پیش‌بینی رفتارهای ضد اجتماعی و نافرمانی مقابله‌ای از طریق سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های

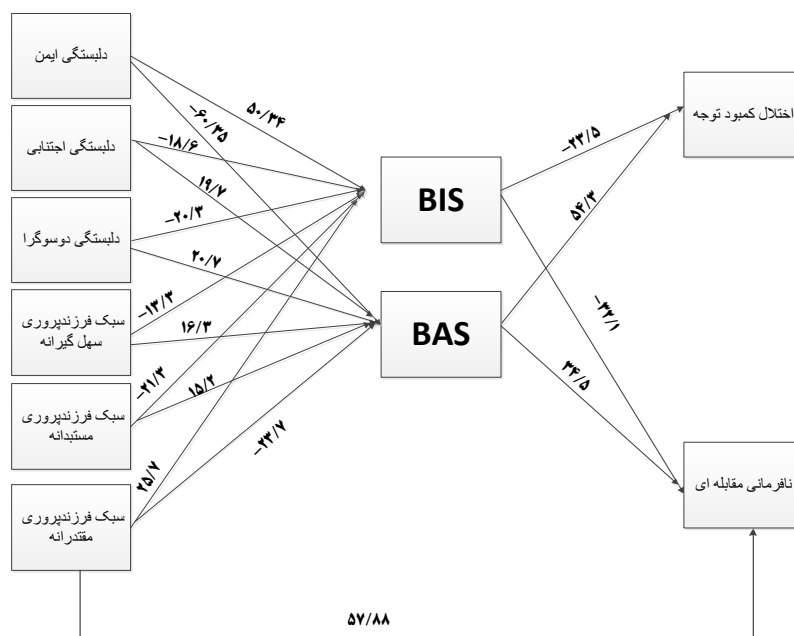
تربیتی - میانجی‌گری سیستم‌های مغزی-رفتاری با ضرایب تی استاندارد

در مدل مذکور، ضرایب تی استاندارد هر کدام از مسیرهای ترسیم شده ارائه شده است. نتایج آزمون خی دو نشان می‌دهد که مقدار این آماره برابر ۵۲/۸۳ است، مقدار سطح معناداری آن ۰/۲ به دست آمد که بیانگر برازش مناسب مدل با داده‌ها است. مقادیر NIF و CIF در تحقیق حاضر به ترتیب ۰/۹۶ و ۰/۹۷ است که با توجه به این که هر دو بیش از ۰/۹۵ هستند نشان از مناسب بودن شاخص‌های مورد نظر دارد و مقادیر به دست آمده مدل را تایید می‌نمایند. ریشه دوم میانگین مجذورات خطای تقریب (RMASE) برای مدل ۰/۰۵ بدست آمد که بیانگر برازش خوب مدل با داده‌ها است. علاوه بر آن نتایج معناداری ضریب مسیر نشان داد که همه ضرایب معنادار می‌باشند.

بررسی فرضیه پنجم

"سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های تربیتی با واسطه‌گری سیستم‌های مغزی-رفتاری، اختلال کمبود توجه و نافرمانی مقابله‌ای را در نوجوانان دختر پیش‌بینی می‌نمایند"

به منظور بررسی این فرضیه از آزمون تحلیل مسیر استفاده شده است.



شکل شماره ۵: مدل پیش‌بینی اختلال کمبود توجه و نافرمانی مقابله‌ای از طریق سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های

تربیتی - میانجی‌گری سیستم‌های مغزی-رفتاری با ضرایب تی استاندارد

در مدل مذکور، ضرایب تی استاندارد هر کدام از مسیرهای ترسیم شده ارائه شده است. نتایج آزمون خی دو نشان می‌دهد که مقدار این آماره برابر ۴۱/۱۳ است، مقدار سطح معناداری آن ۰/۱۱ به دست آمد که بیانگر برازش مناسب مدل با داده‌ها است. مقادیر NIF و CIF در تحقیق حاضر به ترتیب ۰/۹۵ و ۰/۹۴ است که با توجه به این که هر دو بیش از ۰/۹ هستند نشان از مناسب بودن شاخص‌های مورد نظر دارد و مقادیر به دست آمده مدل را تایید می‌نمایند. ریشه دوم میانگین مجذورات خطای تقریب (RMASE) برای مدل ۰/۵۴ بدست آمد که بیانگر برازش خوب مدل با داده‌ها است. علاوه بر آن نتایج معناداری ضریب مسیر نشان داد که همه ضرایب معنادار می‌باشند.

بحث و نتیجه‌گیری

تفسیر نتایج پژوهش

هدف مطالعه حاضر بررسی سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های تربیتی در پیش‌بینی اختلال سلوک و نافرمانی مقابله‌ای با واسطه‌گری سیستم‌های رفتاری در بین نوجوانان دختر بود. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که سبک‌های دلبستگی با میانجی‌گری سیستم‌های رفتاری می‌توانند به صورت معناداری اختلال سلوک و نافرمانی مقابله‌ای را پیش‌بینی نمایند. همچنین شیوه‌های تربیتی با میانجی‌گری سیستم‌های رفتاری می‌توانند به صورت معناداری اختلال سلوک و نافرمانی مقابله‌ای را پیش‌بینی نمایند و در مجموع سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های تربیتی با میانجی‌گری سیستم‌های رفتاری می‌توانند به صورت معناداری اختلال سلوک و نافرمانی مقابله‌ای را پیش‌بینی نمایند. تحلیل مسیر داده‌ها نشان داد که تمامی مسیرهای پیش‌بینی از متغیرهای پیش‌بین به میانجی و از متغیرهای میانجی به ملاک معنادار می‌باشند و مقادیر تی استاندارد آن‌ها از ۱۳/۳- تا ۵۷/۸ در نوسان است.

بر مبنای فرضه اول پژوهش سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های تربیتی با واسطه‌گری سیستم‌های مغزی-رفتاری، پرخاشگری و بیش‌فعالی و نافرمانی مقابله‌ای را در نوجوانان دختر پیش‌بینی می‌نمایند. به طور کلی این یافته با پژوهش حسن زاده (۱۳۹۳) که با هدف پیش‌بینی نشانه‌های اختلال نافرمانی مقابله‌ای بر اساس سبک‌های فرزندپروری با در نظر گرفتن نقش واسطه‌ای سیستم‌های رفتاری انجام شد و مشخص شد که سبک‌های مختلف فرزندپروری به صورت مستقیم قادر به پیش‌بینی نشانه‌های اختلال

نافرمانی مقابله‌ای هستند و یافته دیگر این که سبک‌های فرزندپروری در قالب روابط ساختاری با سبک دلبستگی قادرند، تغییرات نشانه‌های نافرمانی مقابله‌ای را بطور معنی دار و نسبی پیش‌بینی کنند، باقری مصلح آبادی (۱۳۹۴) که در پژوهشی با عنوان مقایسه شیوه‌های فرزند پروری و سبک‌های اسنادی والدین در دانش آموزان با نشانه‌های نافرمانی مقابله‌ای و دانش آموزان عادی که مشخص شد والدین کودکان مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله‌ای در سبک‌های اسنادی خود به صورت معناداری با والدین دانش آموزان عادی متفاوت هستند و بیش تر از سبک‌های اسناد بیرونی، ناپایدار و اختصاصی استفاده می کنند، هم جهت است. همچنین این یافته با پژوهش‌های ری و همکاران (۲۰۰۷) که نشان دادند سبک‌های فرزندپروری و اسنادهای کودکان در رفتارهای مقابله‌ای موثر هستند و ناسی و همکاران (۲۰۱۳) که نشان دادند سبک‌های فرزند پروری با بسیاری از اختلالات رفتاری رابطه دارند، همسو می باشد. با توجه به این که این پژوهش صرفاً به بررسی رابطه این دو متغیر پرداخته است نمی تواند نتیجه علی مطرح نماید اما بررسی اثرات علی شیوه‌های تربیتی بر رفتارهای مقابله‌ای می تواند در گسترش تکنیک‌های درمانی مفید باشد. همچنین سبک‌های فرزند پروری به صورت کلی می تواند بر روی رفتارهای مقابله‌ای فرد اثر بگذارند. انتظار می رود در خانواده‌ای که در عین حال که قوانین خاصی موجود می‌باشد و افراد آزادی صحبت کردن و تلاش برای علایق خود را دارند (سبک فرزند پروری قاطعانه) فرزندان برای موفقیت تلاش نمایند و اسنادهای پخته تری را رشد دهند و در عین حال رفتارهای مفید فرد تشویق و رفتارهای ناپخته کاهش یابد. در خانواده‌هایی که با فرزندان به صورت مقتدرانه و با قوانین معقولی برخورد می‌شود فرزندان از سطح رفتارهای مناسب تری برخوردار هستند و رفتارهای مقابله‌ای پخته تری دارند.

بر مبنای فرضه دوم پژوهش سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های تربیتی با واسطه‌گری سیستم‌های مغزی-رفتاری، افسردگی و اضطراب و نافرمانی مقابله‌ای را در نوجوانان دختر پیش‌بینی می‌نمایند. به طور کلی این یافته با پژوهش اصلی آزاد و همکاران (۱۳۹۲)، با عنوان اثربخشی آموزش شیوه‌های فرزندپروری بر میزان نافرمانی مقابله‌ای در کودکان مبتلا به اختلال رفتار مقابله‌ای و بی‌اعتنایی در دوره دبستان که نشان داد آموزش شیوه‌های فرزندپروری به والدین کودکان مبتلا به اختلال رفتار مقابله‌ای و بی‌اعتنایی بر کاهش نشانه‌های نافرمانی مقابله‌ای در مرحله پس از آزمون موثر می باشد همسو است. همچنین این یافته با پژوهش شهیدی و همکاران (۱۳۹۴)، که اثربخشی شیوه‌های فرزندپروری و بررسی سبک‌های دلبستگی بر میزان افسردگی کودکان پسر در دوره دبیرستان را مورد مطالعه قرار داده و نشان دادند که بین گروه‌ها تفاوت معناداری وجود دارد نیز همسو است. همچنین این یافته با پژوهش‌های کاریزی و همکاران (۱۳۹۶)، موفیت (۲۰۰۹)، ماتینز (۲۰۱۲) و نیز هابسون و همکاران (۲۰۱۱) همسو می باشد. سبک‌های اسنادی بر مبنای نظریاتی همچون نظریه بک، سلیگمن و ... رابطه علی با بسیاری از بیماری‌ها دارد. برای مثال بک معتقد است که افراد افسرده بیشتر سبک‌های اسناد درونی، پایدار و کلی برای شکست‌ها داشته‌اند، لذا رفته رفته فردی که چنین سبک اسنادی داشته است به این نتیجه می‌رسد که کنترلی بر روی محیط ندارد و علائم بالینی افسردگی نمایان می شوند. در رابطه با رفتارهای مقابله‌ای نیز استفاده از سبک‌های اسنادی در موقعیت‌ها سبب می شود که فرد دلایل رفتارها را در محیط بیرون از خود ببیند و لذا تلاشی برای بهبود رفتارهای خود ننماید. به همین دلیل فردی که سبک‌های اسنادی ناپخته تری داشته، رفتارهای مقابله‌ای ناپخته تری را از خود نشان می‌هد. یافته‌های بالا نشان می‌دهند که کارکردهای شناختی درونی تر (سبک‌های تربیتی و سبک‌های دلبستگی) از قبیل دلبستگی به مادر، طریقه برخورد والئین و تصمیم‌گیری برای انجام اقتصادی‌ترین رفتار نقش بسزایی برای بهینه کردن رفتارهای فرد دارند. سبک‌های دلبستگی که پیچیده‌ترین سطوح شناختی را به خود اختصاص می دهند نقش بسزایی در تعیین نوع رفتارها و تصمیم‌گیری برای انجام بهترین رفتار را دارد. کودکی که در بازداری از رفتار عملکرد مناسبی دارد می‌تواند سر بزنگاه بهترین تصمیم را در انجام کارها اتخاذ نماید، همچنین کودکی که سازماندهی/ برنامه‌ریزی مناسبی دارد می‌تواند در اتخاذ رفتارهای آینده و پیامد رفتارها موفق عمل نماید و سیاست رفتاری مناسبی را انتخاب نماید.

بر مبنای فرضه سوم پژوهش سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های تربیتی با واسطه‌گری سیستم‌های مغزی-رفتاری، ناسازگاری اجتماعی و نافرمانی مقابله‌ای را در نوجوانان دختر پیش‌بینی می‌نمایند. این یافته با پژوهش میکائیلی و همکاران (۱۳۹۹) که به

بررسی نقش سیستم‌های مغزی رفتاری و سرشت و منش در پیش‌بینی سایکوپاتی که در دانش‌آموزان دارای نشانه‌های اختلال سلوک می‌پرداخت و نشان داد که نوجویی از سرشت و سائق از ابعاد سیستم فعال سازی رفتاری می‌توانند سایکوپاتی را در دانش‌آموزان دارای اختلال سلوک پیش‌بینی کنند همسو می‌باشد. همچنین یافته حاضر با یافته‌های پژوهش بختیاری و همکاران (۱۳۹۷)، بیرامی و همکاران (۱۳۹۳)، سیوکا و همکاران (۲۰۲۰) که به بررسی نقش سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های تربیتی با واسطه‌گری سیستم‌های رفتاری بر اختلال نافرمانی مقابله‌ای می‌پرداختند همسو می‌باشد. در تبیین یافته حاضر می‌توان گفت که سبک‌های دلبستگی که از تعامل میان مادر و کودک نشأت می‌گیرد و رفته رفته به تمامی روابط فرد در جهان گسترش می‌یابد یکی از مهم‌ترین فاکتورهای روانشناختی در تکامل و گسترش روابط اجتماعی در فرد است. فردی که رابطه مناسبی با مادر یا اولین مراقب خود دارد و به عبارتی سبک دلبستگی ایمن از خود نشان می‌دهد به مرور با گسترش روابط خود به پدر، خانواده، دوستان، مدرسه و در نهایت جامعه همان نوع نگرش و برخورد با مراقب اولیه را به آن‌ها نیز گسترش می‌دهد. چنین فردی در نهایت در سازگاری با اجتماع و روابط فردی موفق عمل می‌کند و سازگاری با اجتماع نشان می‌دهد در مقابل فردی که در روابط عاطفی اولیه خود با شکست مواجه شده است با گسترش محیط روانشناختی به جامعه، در روابط اجتماعی خود با جامعه دچار مشکل می‌شود. از سوی دیگر شیوه‌های تربیتی که بیشتر جنبه آموزشی دارند در گسترش مهارت‌های فردی و بین فردی بسیار مهم می‌باشند. فردی که دارای والدین با سبک تربیتی مقتدرانه می‌باشد در طی رشد و تکامل با محدودیت‌ها و قوانین اجتماعی آشنا می‌شود و لزوم پایبندی به قوانین و قواعد برای وی محرز می‌گردد و در نهایت به مهم‌ترین علائم اختلال نافرمانی مقابله‌ای که عدم پایبندی به قوانین اجتماعی و تبعیت از رفتارهای اجتماعی و خانوادگی می‌باشد فائق می‌یابد. چنین فردی با توجه به این که از ابتدا در خانواده‌ای دارای چارچوب رفتاری و با قوانین مشخص رشد یافته است در دوران بزرگ سالی نیز با همان انتظارات وارد جامعه شده است و وجود محدودیت‌های رفتاری در جامعه و پایبندی به قوانین در جامعه را می‌تواند به راحتی پذیرش نماید و لذا با احتمال کمتری علائم ناسازگاری اجتماعی و رفتارهای مقابله از خود نشان می‌دهد.

برمبنای فرضه چهارم پژوهش سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های تربیتی با واسطه‌گری سیستم‌های مغزی-رفتاری، رفتار ضداجتماعی و نافرمانی مقابله‌ای را در نوجوانان دختر پیش‌بینی می‌نمایند. این یافته با پژوهش میکائیلی و همکاران (۱۳۹۹) که به بررسی نقش سیستم‌های مغزی رفتاری و سرشت و منش در پیش‌بینی سایکوپاتی که در دانش‌آموزان دارای نشانه‌های اختلال سلوک می‌پرداخت و نشان داد که سیستم فعال سازی رفتاری می‌تواند سایکوپاتی را در دانش‌آموزان دارای اختلال سلوک پیش‌بینی کنند همسو می‌باشد. همچنین یافته حاضر با پژوهش لئون و همکاران (۲۰۱۹) و سنتوانی و همکاران (۲۰۱۸) که به بررسی نقش سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های تربیتی در رفتار ضد اجتماعی می‌پرداخت مشابه است. در تبیین این یافته همان‌طور که در فوق اشاره شده می‌توان گفت که اگر فرد سبک دلبستگی نامناسبی با مادر خود داشته باشد و همچنین والدین شیوه‌های تربیتی نامناسبی را بر وی اعمال نمایند نوع نگرش این فرد به جامعه و روابطش با افراد و همچنین قصد و نیت افراد در رابطه با وی دچار سوگیری و مشکل می‌گردد و همین فرد در بزرگسالی مستعد رفتارهای قانون‌گریزی و سو استفاده از دیگران که مهم‌ترین فاکتورهای اختلال شخصیت ضداجتماعی می‌باشند می‌گردد.

برمبنای فرضه پنجم پژوهش سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های تربیتی با واسطه‌گری سیستم‌های مغزی-رفتاری، اختلال کمبود توجه و نافرمانی مقابله‌ای را در نوجوانان دختر پیش‌بینی می‌نمایند. بینی و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان "دلبستگی مختل و عملکردهای شخصیتی در دوران بزرگ سالی- یک آنالیز کلاسی" که بر روی ۵۰۰ نفر از دانش‌آموزان دوران دبیرستان انجام شد به این نتیجه رسیدند که دانش‌آموزان دبیرستانی که دلبستگی‌های مختلفی داشتند در تست شخصیتی نئو از برافراشتگی قابل توجه تری در مقیاس روان‌رنجورخویی نسبت به سایر دانش‌آموزان برخوردار بودند. همچنین توجه و تمرکز مختل، عدم پای بندی به نظم و عدم درک دیگران نیز در پروفایل این دانش‌آموزان نسبت به سایرین وضعیت نامناسب تری را نشان می‌داد. بی و همکاران (۲۰۱۸) نیز در پژوهشی که بر روی ۱۲۰ نفر از کودکان شهر شانگ‌های انجام شد به این نتیجه رسیدند که

کودکانی که والدین آن ها دارای سبک فرزند پروری مقتدرانه تری بودند از سیستم فعال ساز مغزی متعادل تر و سیستم سرکوب گر رفتاری قوی تری برخوردار بودند. همچنین این کودکان دارای روابط بین فردی مناسب تری با والدین خود بودند. شرکنسول و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که فرزندان مادرانی که دارای سبک دلبستگی ناایمن می باشند به میزان بیشتری با شرایط استرس آور درگیر می باشند، همچنین سیستم های مغزی- رفتاری در این پژوهش نقش واسطه‌گری را به صورت معناداری ایفا می نمودند و زمانی که در تحلیل مسیر به عنوان واسطه وارد می شدند به صورت معناداری کودکان مادران دارای سبک‌های دلبستگی نا ایمن‌تر سیستم فعال ساز رفتاری بالاتر و سیستم سرکوب گر رفتاری غیر فعال تری را نشان می دادند. ایوب اوغلو و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی که به بررسی تنظیم هیجانی و سبک‌های دلبستگی در نوجوانان دارای نقص توجه و بیش فعالی در ترکیه می پرداخت به این نتیجه رسیدند که نوجوانانی که از تنظیم هیجانی نامناسب تری برخوردار بوده و سبک‌های دلبستگی اجتنابی یا دوسوگرا دارند به میزان بیشتری ملاک های اختلال بیش فعالی و نقص توجه را نشان می دهند. با توجه به یافته های مطرح شده می توان چنین برداشت نمود که فردی که در سبک دلبستگی با مشکل مواجه است در واقع از اطمینان خاطر به محیط خود برخوردار نمی باشد و در تکامل شناختی و فاکتورهای مرتبط با شناخت از رشد کاملی برخوردار نیست لذا این عدم اطمینان به محیط خود و مشکلات تمرکز و توجه در فرد سبب می شود که علائم اختلال بیش فعالی و عدم تمرکز در آن ها نسبت به افراد عادی تفاوت داشته باشد.

پیشنهادهای پژوهش

پیشنهادهای پژوهشی

- ۱- پژوهش حاضر به دلیل محدودیت منابع مالی انگیزشی در مشارکت کنندگان امکان استفاده از هر دو فرم کودک و والد را در پژوهش خود نداشت، لذا طرح ریزی برای پژوهشی که هم زمان فرم های مذکور را مورد استفاده قرار دهد مفید خواهد بود.
- ۲- مشارکت کنندگان این پژوهش تنها نوجوانان دختر شهر ارومیه بودند، اجرای گسترده تر این پژوهش در سطح منطقه ای و کشوری مفید خواهد بود.
- ۳- پژوهش حاضر به دلیل محدودیت زمانی و مالی تنها از نمونه گروهی ۱۲ تا ۱۸ سال برای شرکت در پژوهش استفاده نمود. استفاده از گروه های سنی متفاوت و پژوهش بر روی نوجوانان مفید خواهد بود.
- ۴- در پژوهش حاضر مشارکت کنندگان به صورت کلی تحلیل شده اند و فاکتورهای دیگر به صورت مجزا تحلیل نشده اند. پیشنهاد می شود در پژوهش های آینده بر اساس فاکتورهای مجزا تحلیل شوند.
- ۵- در این پژوهش تنها از متغیر سبک‌های دلبستگی و شیوه های تربیتی برای پیش‌بینی رفتارهای مقابله‌ای استفاده شد، پیشنهاد می شود محققان بعدی از متغیرهای دیگری که به لحاظ نظری با رفتارهای مقابله‌ای در ارتباط می باشند استفاده نمایند.

پیشنهادهای کاربردی

- ۱- با توجه به این که کودکان بسیار آسیب پذیر می باشند و بسیاری از اختلالات دوران کودکی تا بزرگسالی خود را حفظ کرده و سبب بدکارکردی هایی در طول زندگی می شوند و از طرفی دیگر شیوع اختلال نافرمانی در کودکان نسبتا قابل توجه است، شناسایی فاکتور هایی که می تواند به درستی رفتارهای مقابله‌ای را پیش‌بینی نمایند به سیاست‌گذاران کلان و متخصصان کودک کمک خواهند کرد که برای پیشگیری از اختلالات رفتاری در کودکان برنامه ریزی نمایند.
 - ۲- شناسایی فاکتور هایی که می توانند به صورت معناداری رفتارهای مقابله‌ای را پیش‌بینی نمایند به متخصصان بالینی در تحول آموزش های پیشگیرانه و درمان های اختلالات رفتاری کمک شایانی خواهد نمود.
- با توجه به نقش میانجی گری سبک‌های فرزندپروری در پیش‌بینی رفتارهای مقابله‌ای، تمرکز بیش از پیش ساستگذاران کلان بر اجرای صحیح آموزش شیوه های فرزندپروری به جمعیت عمومی سبب کاهش مشکلات رفتاری در کودکان خواهد شد.

منابع

- احمدوند، محمد علی. (۱۳۹۷). *بهداشت روانی*. تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۲.
- بامری، زرینه. (۱۳۹۲). بررسی تاثیر شیوه های تربیتی ادراک شده والدین به صمیمیت و بخشودگی دانشجویان، کارشناسی ارشد، رشته علوم تربیتی، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- بختیاری، بهمن. (۱۳۹۴). مقایسه سبک‌های فرزند پروری و ذهنیت های طرحواره ای دانش آموزان با اختلال سلوک و عادی، کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد شاهرود.
- بیرامی، منصور؛ عبادی، آسایش، معصومه؛ مهدی، میرلو، محمد. (۱۳۹۳). مقایسه سیستم های فعال سازی/ بازداري رفتاری دختران فراری با دختران غیر فراری، نشریه زن و مطالعات خانواده، شماره ۲۴؛ ص. ۷-۲۴
- تاج الدینی، آمنه نگار. (۱۳۹۶). تاثیر شیوه های تربیتی والدین بر بحران بلوغ دختران ۱۳ تا ۱۸ سال، کارشناسی ارشد در رشته مطالعه زنان، دانشگاه علامه طباطبائی.
- حاتمی، محمد؛ صادقی راد، سعید؛ حسینی، جعفر. (۱۳۹۴). اثر بخشی آموزش مهارت های ارتباطی در تکانشگری نوجوانان دختر دارای علائم اختلال سلوک. پژوهش در نظام های آموزشی، شماره ۳۱.
- خالقی، رضا. (۱۳۹۵). رابطه سیستم های مغزی-رفتاری و عواطف با اضطراب اجتماعی در دانشجویان. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته روانشناسی عمومی، دانشگاه سمنان.
- خدایاری فرد، محمد. (۱۳۹۵). آسیب شناسی روانی کودک و نوجوان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- زارعی، اقبال؛ حیدری، حسین؛ نودژ، مجتبی محمودی؛ عسکری، مهین؛ محمدی، حاتم. (۱۳۹۳). نقش سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی اختلال سلوک دانش آموزان، مقاله پژوهشی، شماره ۱، ص. ۶۷-۷۴
- زمان، احم؛ محمودی، رضا؛ هاشمی نیک، اعظم؛ بابا احمدی میلانی، ستار. (۱۳۹۵). سبک‌های دلبستگی، رشت: کدیور.
- زینالی، علی. (۱۳۹۲). تاثیر شیوه های تربیتی والدین بر نوع دلبستگی فرزندان، نشریه خانواده پژوهشی، شماره ۳۳؛ ص ۶۳ تا ۸۱.
- کریمی، معصومه. (۱۳۹۶). مقایسه ی سبک‌های دلبستگی و سبک‌های هویت در نوجوانان با اختلال سلوک و عادی، کارشناسی ارشد در رشته روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد شاهرود.
- گرمسیری، عطاالله؛ شکرزاده، شهره. (۱۳۹۸). اثرات شیوه های فرزند پروری بر نشانگان اختلال سلوک دانش آموزان دوره متوسطه منطقه پاکدشت. نشریه خانواده و پژوهش. شماره ۴. پی‌اپی 00873P#45؛ ص. ۱۲۳-۱۴۲
- لطیفی، رضا. (۱۳۹۳). بررسی اثر بخشی درمان مبتنی بر دلبستگی بر کاهش علائم اختلال نافرمانی مقابله‌ای همبود با اختلال بیش فعالی- نقص توجه. کارشناسی ارشد رشته روانشناسی بالینی، دانشگاه تبریز.
- معاش اصل، سمیه. (۱۳۹۴). بررسی رابطه سبک‌های فرزند پروری با علایم اختلال نافرمانی مقابله‌ای و علایم اختلال سلوک. کارشناسی ارشد، رشته روانشناسی عمومی، دانشگاه تبریز.
- میکائیلی، نیلوفر؛ نریمانی، محمد؛ درودی، جواد. (۱۳۹۳). نقش سیستم های مغزی رفتاری و سرشت و منش در پیش‌بینی سایکوپاتی در دانش آموزان دارای نشانه های اختلال سلوک، مقاله پژوهشی، شماره ۲، ص. ۱۶۸-۱۴۹
- ویس، رابرت. (۱۳۹۸). روانشناسی بالینی کودک و نوجوان. ترجمه مهران سلیمانی و مهنام یوسفی. تبریز: علم و سلامت.
- Barlow, D. H. (Ed.). (2021). *Clinical handbook of psychological disorders: A step-by-step treatment manual*. Guilford publications.
- Beeney, J. E., Wright, A. G., Stepp, S. D., Hallquist, M. N., Lazarus, S. A., Beeney, J. R., ... & Pilkonis, P. A. (2017). Disorganized attachment and personality functioning in adults: A latent class analysis. *Personality Disorders: Theory, Research, and Treatment*, 8(3), 206.

- Bi, X., Yang, Y., Li, H., Wang, M., Zhang, W., & Deater-Deckard, K. (2018). Parenting styles and parent-adolescent relationships: The mediating roles of behavioral autonomy and parental authority. *Frontiers in psychology*, 9, 2187.
- Bonanno, G. A. (۲۰۰۴). Loss, trauma, and human resilience. *American Psychologist*, ۵۹: ۲۸-۲۹.
- Burns, D. D. (۱۹۸۰). The perfectionist's script for self - defeat. Psychological Association.
- Campbell-Sills, L., Cohan, S. L., & Stein, M. B. (۲۰۰۶). Relationship of resilience to personality, coping, and psychiatric symptoms in young adults. *Behaviour Research and Therapy*, ۴۴: ۵۸۵-۵۹۹.
- Carle, A. C., & Chassin, L. (۲۰۰۴). Resilience in a community sample of children of alcoholics: its prevalence and positive affect *Journal of Applied Developmental Psychology*, ۲۵: ۵۷۷-۵۹۶.
- Carleton, R. N., Collimore, K. C., Asmundson, G. J. G., McCabe, R. E., Rowa, K & Antony, M. M. (۲۰۱۰). SPH Nning factors: Factor analytic evaluation of the Social phobia Inventory in Clinical and nonclinical undergraduate samples. *Anxiety Disorders*, ۲۴ (۲): ۱۰۱-۹۴.
- Carver, C. S., White, T. L. (۱۹۹۴). Behavioral inhibition, behavioral activation, and affective responses impending reward and punishment: the BIS/BAS scales, *journal of personality and social psychology*, ۶۷(۱۲): ۳۲۳-۳۱۹.
- Meyer, B., Oliver, L., & Roth, D. A. (۲۰۰۵). Please do not leave BIS/BAS, attachment style, and responses to a Relationship threat, *Journal of personality and Individual Differences*, ۳۸: ۱۰۵-۱۰۱.
- O'Connor RC, Forgan G. (۲۰۰۷). Suicidal thinking and perfectionism: The role of goal adjustment and behavioral inhibition/activation system (BIS/BAS). *Journal of Rational – Emotive & Cognitive-Behavior Therapy*, ۷, ۲۵(۴): ۴۱-۳۲۱.
- Pyhala, R., railkssonk, pesonen, A. K., heinonen, K., Hovi, P., Eriksson, J. G. Et al. (۲۰۰۹). Behavioral inhibition and behavioral approach in young adults with very low birth weight-the Helsinki study of very low birth weight adults. *pers Individ differ*, ۴۶: ۱۰-۱۰۶.
- Quiroga, M. G., & Hamilton-Giachritsis, C. (2016, August). Attachment styles in children living in alternative care: A systematic review of the literature. In *Child & youth care forum* (Vol. 45, No. 4, pp. 625-653). Springer US.
- Randles, Daniel, Flett, Gordon L, Nash, Kyle, A, McGregor, Ian D, Hewitt, Paul L. (۲۰۱۰). Dimensions of perfectionism, behavioral inhibition, and rumination. *Personality and Individual Differences*, ۸۷-۴۹, ۸۳.
- Riley, C., Lee, M., Cooper, Z., Fairburn, C. G., & Shafran, R. (۲۰۰۷). A randomized controlled trial of cognitive-Behavior therapy for clinical perfectionism: A preliminary Study. *Behaviour Research and therapr*, ۴۵(۹): ۲۲۳۱-۲۲۲۱.
- Rosser, S., Issakidis, C., & Peters, L. (۲۰۰۳). Perfectionism and Social phobia: Relationship Between the Constructs and Impact on Cognitive Behaviour Therapy. *Cognitive Therapy And Research*, ۲۷, ۲: ۱۴۳.
- Saboonchi, F., Lundh, L.-G., & Ost, L.-G. (۱۹۹۹). Perfectionism and Self-consciousness in social phobia and panic disorder with Agoraphobia *Behaviour Research and Therapy*, ۳۷, ۹: ۷۹۹.
- Sahithya, B. R., Manohari, S. M., & Vijaya, R. (2019). Parenting styles and its impact on children—a cross cultural review with a focus on India. *Mental Health, Religion & Culture*, 22(4), 357-383.

- Shafran, R., Cooper, Z., & Fairburn, C. G. (۲۰۰۲). Clinical Perfectionism : a cognitive-behavioural analysis. *Behavior Research and Therapy*. ۴۰(۷):۷۹۱-۷۷۳.
- Sher-Censor, E., Gur-Yaish, N., Shiff, H., & Harel-Zeira, N. (2020). Mothers' attachment style and information processing of stressful situations involving their children. *Journal of Child and Family Studies*, 29(11), 3059-3070.
- Szentivayi, Dora; Balazs, Judit. (2018). Quality of life in children and adolescents with symptoms or diagnosis of conduct disorder or oppositional defiant disorder, mental & health & prevention, volume 10, pages 1-8.
- Tugade, M. M., & Fredrickson, B. L. (2004). Resilient individuals use positive emotions to bounce back from negative emotional experiences. *Journal of personality and social psychology*, 86(2), 320
- Villiers, D. P. (۲۰۰۹). Perfectionism and social anxiety among College students. Doctoral Dissertation. Department of Counseling and Applied Educational psychology, Northeastern University.
- Wu, K. D., & Cortesi, G. T. (۲۰۰۸). Relations between Perfectionism and obsessive-compulsive symptoms: Examination of specificity among the dimensions. *Anxiety Disorders*, ۲۳(۳): ۳۹۳- ۴۰۰.
- Zeinalian, Leila & Zarandi, Mohammad. (2016). The analysis of social and psychological problems in the field of the elderly's health. *Scinzer Journal of Humanities*. 2. 25-32. 10.21634/SJH.2.3.2532. (1394).